DAILY ارادهٔ

د افغان نشراتي مرکز ملي خپلواکه ورځپاڼه

۸۵۷

سال تاسیس ۱۳۷۹ هـ . ش

لسم کال - دویمه دوره، ۸۵۷ مه گڼه، پر له پسې ۱۹۲٤گڼه د ۱۳۸۹ ل ـ د وږي ۲ مه - د سې شنبې ورځ، د ۱۴۳۱ هـ ق د رمضان المبارک ١٤ مه ۲۰۱۰ د اگست ٢٤ مه

PROPERTY OF ACKU

AFGHAN MEDIA RESOURCE CENTER A.M.R.C

شاهد تلفات سنگینی در افغانستان خواهیم بود

قوماندان نیروهای ناتو در افغانستان می‌گوید، روند حرکت رو به جلوی طالبان در جنوب افغانستان و کابل متوقف شده است.

جنرال دیوید پترایوس، قوماندان نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان در مصاحبه با شبکهٔ خبری بی. بی. سی اظهار داشت: حمله به پناهگاه‌های امن طالبان و تخریب آنها، نقش مهمی در بدست‌گیری میدان نبرد توسط نیروهای ناتو و نیروهای امریکایی داشته است.

وی افزود: توصیه‌های خود را مبنی بر واگذاری ص۳

انتخابات پارلمانی، مشکلات امنیتی و افزایش نگرانی ها

یکی از چالش های اساسی یی که در پیشروی انتخابات پارلمانی قد علم کرده، نابسامانی وضعیت جاری امنیتی کشور است؛ هرچند امواج گستردهٔ ناامنی و خشونت، ساحات وسیعی از کشور را احتوا کرده و در بیشتر مناطق زنده گی روزمرهٔ مردم و آرامش را به مخاطره انداخته، اما ولایت های جنوب کشور بیش از همه، از این ناحیه رنج می برد. در شمار ولایت های جنوبی کشور، ولایت غزنی از ولایت هایی است که در طول نه سال گذشته، روز آرامی را ندیده و تدوام بی سابقهٔ بی امنیتی و خشونت، مردم این ولایت را به ستوه آورده است. در حالی که روزهای کمی برای برگزاری انتخابات ولسی جرگه باقی مانده است، وضعیت امنیتی این ولایت با گذشت هر روز، متشنج تر و ناآرامتر می شود؛ روز گذشته، مخالفان مسلح با پرتاب پنج فیر ص۳

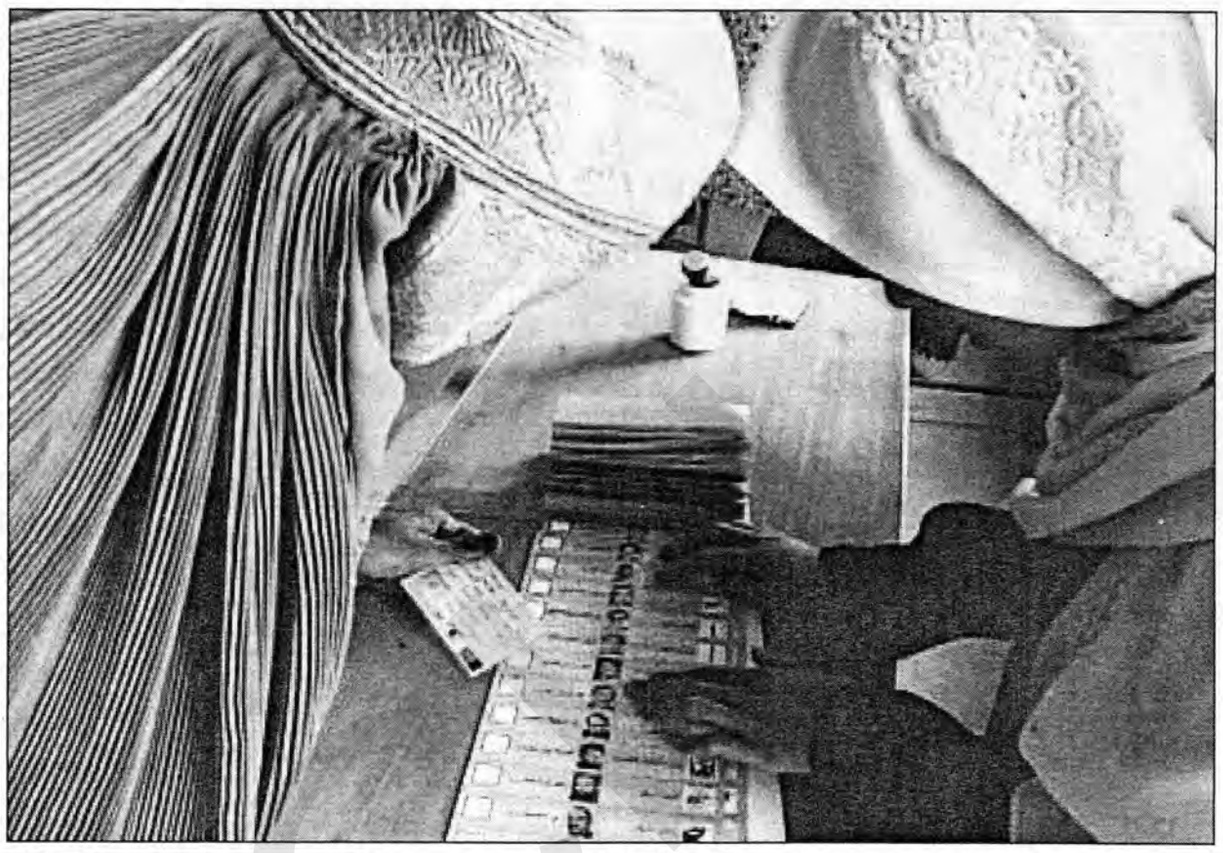

دیدگاه جدید وزیر داخلهٔ آلمان در مورد معضلهٔ افغانستان:

فساد مشکل اصلی افغانستان است

وزیر داخلهٔ آلمان در روند بحران های جاری در افغانستان، ارتشا و فساد از مسایل جدی و نگرانباری خواند که جریان صلح و ثبات را در این کشور با مشکل مواجه ساخته است.

توماس دو مزیبق که با خبرگزاری آلمان سخن می گفت، همچنان بر ادامهٔ ماموریت آموزشی نیروهای آلمانی در افغانستان تاکید نموده و افزود: در صورت خواست کابل، مربیان پولیس بعد از سال ۲۰۱۴ نیز، در بعد کوچکتری در این کشور می‌مانند.

وزیر داخلهٔ آلمان در گفتگو با خبرگزاری آلمان تاکید کرد: بعد از آن دولت افغانستان بایستی مسوولیت حفظ امنیت این کشور را عهده‌دار شود.

این مقام آلمانی اظهار داشت: با این حال در خصوص تعداد نیروهای آموزش دهندهٔ پولیس در حال حاضر نظری ندارم.

به گزارش سایت انترنتی فوکوس، آلمان از هشت سال گذشته در امر آموزش پولیس ص۳

متن بیانیه دوکتور خدایداد بشرمل :

چه د۱۳۸۹ کال د اسد میاشتی په ۲۲ نیټه(۲۰۱۰ کال د اگست ۱۳) دسیاسی ګوندونو اوتولنیز سازمانونو د صلاحیت لرونکو استاذو او یو شمیر ملی، سیاسی مستقلو شخصیتونو په ګډه غونده کښی یی وارولـه

بسم الله الرحمن الرحیم

حضار محترم، دوستان عزیز !

افتخار دارم که بعد از بیست سال در کشور خود افغانستان درین تالار بزرگ با شما وطنداران عزتمند می بینم. برایم افتخار بزرگ است که شما کارهای مهم خود را پشت سر گذاشته و وقت گرانبهای خود را برای دیدن و شنیدن حرف های من اختصاص داده اید از حضرات شما از صمیم قلب اظهار امتنان مینمایم.

از رهبری حزب ملی فعالین صلح افغانستان هم ابراز تشکر میکنم که چنین زمینه را برایم فراهم نموده است.

در اجتماع امروز میخواهم پیام وطن را با شما روشنفکران، سیاست دانان، موسفیدان و جوانان مورد بحث فرار دهم. با اینکه در محفل امروزی مرا موقع داده اید تا راجع به آن پیام با شما صحبت نمایم که باز هم از شما تشکر میکنم اما بعد ازین ما و شما برای این پیام تبادل نظر خواهم نمود تا راه آینده خور را روشن و وظایف بعدی خود را روشن کنیم.

اگر من بیست سال از افغانستان دور هم بودم چنانچه از ۶۵ سال عمر خود ۴۵ سال آنرا از طفولیت تا اخیر جوانی درکشور به تعلیم و تحصیل، خدمت صادقانه و مطالعه عملی جامعه خود سپری نموده ام و بیست سال اخیر را هم که در خارج بوده در ایالات متحده امریکا مصروف تداوی مریضان مردمان سراسر جهان و خدمت وطن بودم و هر روز با مردم خود در تماس بودم و از زندگانی مردم بیخبر نبودم و آن چیزی را که مردم از وطندوستان روشنفکر ما میخواهند آن پیام برای من هم رسیده بود و همین است که من میخواهم آن پیام را با شما شریک سازم و بران صحبت کنم.

قبل ازینکه پیام وطن را حضور تان بعرض برسانم به یک نکته توجه شما را جلب میکنم. آن نکته این است که من در مقام های بسیار بلند دولتی در وطن وظیفه اجرا نموده ام و عطش کار را در مقامات دیگر را ندارم. اما شما و کشور خود را دوست دارم و در کنار شما شخصیت های ملی و روشنفکران عزیز میخواهم با در نظر داشت منافع ملی کشور های دیگر بخاطر تأمین منافع ملی افغانستان به جواب پیام وطن و خواست های مردم در کنار شما مبارزه کنم.

پیام وطن !

فرزندان، روشنفکران، جوانان و موسفیدان !

من شما را بزرگ ساخته ام و تربیه نموده ام تا عواطف ملیت های برادر را تغیر دهید، روحیه تفاهم بین الافغانی، هماهنگی و برادری را بین شان تقویت بخشید تا در شرایط صلح وباز سازی و رشد متداوم یک ملت نیرومند باشند. افغانها در وقت تهاجم خارجی به یک ملت نیرومند اما در زمان صلح و بازسازی و رشد متاداوم به ملت ضعیف مبدل میگردند، کاری کنید که در هر زمان نیرومند باشید. صرفآ همین را از شما میخواهم. اگر چنین نکنید مرا از دست خواهی داد.

اگر محترم جنرال عبدالرشید دوستم که نازوردارش شوروی ها بودند پیشنهاد شوروی وقت را برای ایجاد یک دولت حایل میان مناطق عمدتآ پشتون نشین و شمال رد میکند و یا گر مرحوم شهید احمد شاه مسعود که با تاجکستان روابط برادرانه داشت پیشنهاد تاجکستان را که باز هم توسط شوروی ها به پیش کشیده شده بود بخاطر ایجاد یک تاجکستان بزرگ تقبیح و رد کرد و اگر هم هزاره های مرکز نشین دور افتاده محروم پیشنهاد ایران را درمورد ایجاد دهلیز انتقالی میان آسیایی میانه و ایران نفرین و رد مینمایند و یا هم اگر طالبان از طریق پاکستان پشتیبانی میشدند بعد از گرفتن کابل پیشنهاد پاکستان را در مورد ایجاد یک حکومت پشتونها در بخش شرقی، جنوبی و کابل به باد استهزا گرفتند هیچ افغان نه تنها به تجزیه افغانستان موافق نخواهد بود بلکه مانند مرحوم شهید دکتور نجیب الله در آن مورد از سر خود تیر خواهد شد و قربانی تاریخی خواهد داد.

اما دوستان عزیز! حفظ سالم وطن تدبیر میخواهد آن تدبیر را اگر نداریم باید دریابیم اگر افغانستان به زور تسخیر پذیر نیست حفظ سالم وطن از طریق جنگ هم میسر نیست باید شیوه صلح آمیز حفظ افغانستان سالم را یاد بگیریم. جنگ دایم و حفظ تمامیت ارضی و پیشرفت باهم سازگار نیستند. نگذارید روشنفکران خاین افکار جوانان را مشوش و روشنفکران را تقسیم نمایند.

دوستان عزیز !

ملت افغان زمانی جواب مناسب به پیام وطن ارایه نموده میتواندکه واقعآ به یک ملت تبدیل گردد که کشور از یک چوکات محاصره شده ملیت های مختلف بدر شود و مسئله ملی حل گردد حل مسئله می در نتیجه فعالیت هماهنگ دو نیرو میسر شده میتواند و افغانستان بسوی وحدت ملی میتواند برود. تا این کار نشود در کشور صلح تأمین شده نمیتواند و در نهایت کشور از دست میرود. این دو قوه عبارت اند از: نیروی دولتی و نیروی روشنفکران ملی مترقی.

۱. نیروی دولتی: وظیفه اساسی دولت تأمین امنیت سراسری است. تأمین امنیت سراسری به حل مسئله ملی مربوط است. ملیت های برادر کشور باید کشور را کشور خود بدانند تا در تأمین و حفظ امنیت پایدار، بازسازی و رشد متداوم آن سهم داوطلبانه بگیرند یعنی چنانچه از خانه خود حفاظت میکنند وطن را هم حفاظت و نگهداری نمایند. بر این عامل کمی بعد تر به تفصیل صحبت خواهیم کرد.

۲. نیروی روشنفکران و وطندوستان ملی و مترقی: روشنفکران باید در نظر و عمل در مورد حل مسئله ملی با هم متحد شوند و درین مورد خود و جامعه را تغیر دهند. با دولت و مردم کمک نمایند و هر دو را مجبور سازند تا این وظیفه ملی شانرا انجام دهند. این مسئله موضوع بحث اساسی امروز مارا تشکیل میدهد. یعنی تأمین وحدت عمل روشنفکران وطندوست ملی و مترقی در مورد حل مسئله ملی و ایجاد یک ملت نیرومند و دولت ملی. اگر به کشور ص۴

داکتر مرتضی کیوان بشرمل

کاندید ولسي جرگه از ولایت کابل

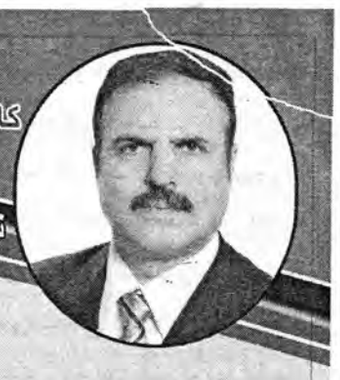

نشان انتخاباتي

۱۷۷

شماره انتخاباتي

بسم الله الرحمن الرحیم

زنده گی نامه مختصر

در سال ۱۳۲۸ ـ خورشیدی دریک فامیل روشنفکر متوسط الحال در قریه حیدرخانی ولایت لغمان متولد گردیدم

ـ تعلیمات ابتدائی و ثانوی را در سال ۱۳۴٦ ـ در لیسه روشان ولایت لغمان وتحصیلات عالی را در سال ۱۳۵۳ ـ بدرجه ماستری علوم طبی در پوهنځی طب ننگر هار به پایان رسانیدم .

ـ به حیث آ مر مراکز صحی ، رئیس صحت عامه ولایت بلخ ، رئیس عمومی تعلیمات صحی ونشرات وزرات صحت عامه وعضو کا در علمی انستیتیوت طب کابل ایفای وظیفه نمودم .

ـ ماستری علوم اقتصاد سیاسی را از انستیتیوت علوم اجتماعی کابل درسال ۱۳٦۷ حاصل نمودم .

ـ به حیث منشی کمیتی حزب ولایت کندهار حزب وطن ومدت هم به حیث والی سرپرست ولایت کندهار ایفای وظیفه نمودم .

ـ بازبان های انگلیسی وآلمانی آشنائی کامل درام .

ـ متأهل میباشم ودارای پنج فرزند استم

ـ اگر بحیث نماینده شما در ولسی جرگه انتخاب شوم در عرصه های ذیل پشنهادهای سازنده عملی ومشخص را به شورای ملی ودولت طرح وبرای تطبیق آن سعی وتلاش مینمایم :

ـ رشد متوازن وکیفی معارف کی سرمایه گزاری دراز مدت است ، ارتقای سطح دانش مسلکی وبهبود زنده گی معلمان کشور تحت شعار " معلم سرتاج جامعه است "

ـ رفع خشونت های خانواده گی ومحلی .

ـ رشد متوازن وپیهم محلات که اعتماد ملیت های برادر را باهم دیگر مستحکم می سازد .

ـ نماینده گی عادلانه اقوام وملیت های برادر درتمام ارگان های دولتی ، ملکی ، نظامی وامینتی که ضامن ثبات وامنیت پایدار کشور است .

ـ رفع تضادهای فرهنگی ، اقتصادی قومی که آشتی پذیرند وافغانستان را به سوی ملت سازی رهنمون میگردد

ـ ارتقای سطح زنده گی دهاقین ، برقی ساختن محلات ، میکانیزه ساختن زراعت ومالداری ، احیاوحفظ جنگلات

ـ جلب توجه ثروت های ملی ودولتی برای حفظ وپاکسازی محیط زیست که در شهر ما وزضع تأسف آور وفلاکت باردارد.

ـ مبارزه بافساد اداری ، تامین حاکمیت قانون وحل موضوعات مورد منازعه در مورد دارایئ های شخصی به وقت وزمان آن .

ـ تأمین امنیت وظیفه دولت است بیاری مردم " دولت باید کارائی واراده آن راداشته باشد ومردم صلاحیت آن را "

ـ رهانیدن انتخابات از چنگال زورمندان وزرداران وتسلیم آن به آرای مردم تحت شعار :

" هر آنکه بازور وزر به مقامی برسد برای زور مندان وزرداران کارمیکند وآن های که به اراده و آرای مردم به مقام انتخاب شوند برای مردم خدمت مینما یند . "

ـ عرضه خدمات صحی مؤثر ورایگان به مردم ، تعمیم سواد آموزی باشیوه های ابتکاری وجدید .

ـ حمایت از سیاست خارجی متوازن ورعایت بیطرفی فعال کشور عزیز ما افغانستان .

صلح ، مصونیت فردی ، رفاه وعدالت اجتماعی شعار من است .

ومن الله توفیق

د لوی او ښښونکي خدای (ج) په نامه

سرمقاله

زنده گی غیرنظامیان چه وقت مصئون خواهد شد؟

در حالی که باور به این بود و نیز تبلیغات گسترده یی در این راستا صورت می گرفت که با آمدن جنرال پترایوس به عنوان قوماندان عمومی نیروهای ناتو و امریکایی در افغانستان، از میزان تلفات ملکی به شدت کاسته و در این راستا گام های عملی بهتر و بیشتری از سوی نیروهای ناتو و امریکایی برداشته خواهد شد؛ چرا که قوماندان مزبور قبل از اینکه وظیفه اش را در افغانستان به صورت رسمی اشغال نماید، هنگامی که در رسانه های بین المللی در مورد برنامه های کاری اش در مورد افغانستان سخن می گفت، جلوگیری از تلفات ملکی را در صدر برنامه های کاری خود در این کشور عنوان کرده و از آن جدا حمایت می نمود و این چیزی بوده که وی همواره در نشست های خبری خود با خبرنگاران و در جریان گفتگوها با رسانه های بین المللی به صورت مکرر بر آن تاکید ورزیده و در امر جلوگیری از آن، اکیدا تعهد سپرده که در این جهت کار مکرر و موثر می نماید. ولی پس از جنرال مک کرستال، تقرر پترایوس و آغاز کار وی در افغانستان، این همه انتظارات نقش بر آب گشت؛ چنانکه پس از تقرر جنرال پترایوس در شمار تلفات ملکی به دست نیروهای ناتو و بازرسی های شبانهٔ این نیروها، نه تنها کاهشی به جود نیامد، بلکه بر پایهٔ آمار و ارقام دست داشته و تازه، در این مدت در تلفات ملکی افزایش قابل ملاحظه یی به چشم می خورد؛ چنانکه با تقرر جنرال پترایوس از جون سال جاری تا کنون ۲۷ مورد از حملات نیروهای ناتو بر اهداف ملکی و شبه ملکی گزارش شده است؛ رقمی که به ندرت در مدت مشابه در زمان مک کرستال می توان آن را یافت.

در راستای تداوم تلفات ملکی به وسیلهٔ نیروهای ناتو، دیروز بر اثر عملیات نیروهای خارجی در منطقهٔ تیرگران ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان، شش فرد ملکی به شمول یک زن و یک طفل کشته شده و شش تن دیگر زخمی شدند. یکتن از مقام های این ولسوالی در این رابطه به رسانه ابراز داشت که هلیکوپترهای نیروهای خارجی، بالای قریهٔ تیرگران ولسوالی تاله وبرفک، حمله نمود که طی این حمله، ضمن کشته و زخمی شدن افراد یادشده، نیروهای ناتو چهار تن دیگر از مردم ملکی را نیز با خود برده و بیش از ۲۰ منزل مسکونی را به آتش کشیده اند.

این در حالی است که که دو روز پیش نیز، نیروهای خارجی و پولیس ملی، در منطقهٔ کته خیل دند شهاب الدین، عملیاتی انجام دادند که طی آن، بیش از ۳ فرد ملکی کشته و ۲ نفر دیگر زخمی شدند، که به همین دلیل، مردم برای شش ساعت، شاهراه پلخمری ـ کندز را مسدود کرده بودند.

به هر صورت، این نمونه های نزدیک و بارزی از کشتار افراد ملکی به دست نیروهای خارجی می باشد، شاید واقعات مشابه روزانه در کشور بیشتر از این باشد که به سبب عدم پوشش رسانه یی از نشر و حضور در رسانه ها بازمانده است. به هر حال، باید گفت، یکی از چیزهایی که باعث شده وضعیت کنونی افغانستان را به بحران بکشاند و اوضاع جاری را هم برای داخلی ها و هم برای خارجی ها، بیش از بیش پرتنش سازد، ادامهٔ کشتار افراد ملکی به دست نیروهای خارجی است. زیرا با افزایش تلفات ملکی، نفرت مردم نسبت به نیروهای ناتو بیشتر می گردد و به دنبال آن همکاری های مردم با این نیروها تقلیل یافته که این امر خود عوامل شکست و ناکامی این نیروها را در کشور مهیا می سازد.

بنابراین، بادرنظرداشت آمار جدید از تلفات ملکی در کشور، باید خاطر نشان کرد که اگر تلفات ملکی همچنان در کشور ادامه یابد و در راه جلوگیری آن گام های موثر و کاری برداشته نشود و مانند گذشته بازهم با این مساله برخورد سطحی و ساده صورت بگیرد و با تعیین کمیسیونی بر چشمان ملت خاک ریختانده شود، دور نخواهد بود که این مساله نه تنها شکست و ناکامی واقعی جنرال پترایوس که خود را یک جنرال کارآمد و قهرمان جنگ های عراق می داند روی تخته خواهد برد، بلکه کارآمدی حضور نیروهای ناتو در افغانستان را نیز بیش از بیش متزلزل، کمرنگ و بی معنا خواهد ساخت، چیزی که در حقیقت بوی شکست قطعی این نیروها را در پی داشته و در نهایت خروج نافرجام و ننگین آنها را در قبال خواهد داشت.

انتخابات استرالیا در حاشیهٔ ارزیابی ها و بررسی های جنگ افغانستان

خالد انصاری – سدنی

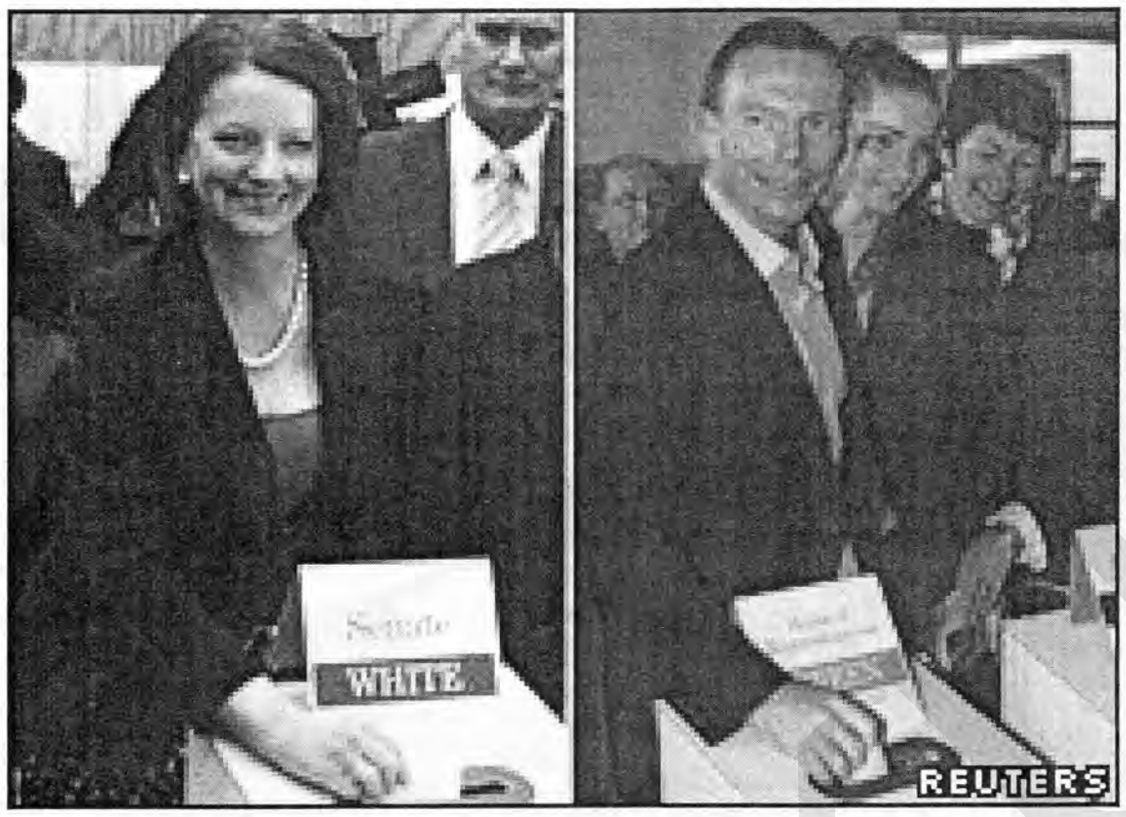

همزمان با شدت گرفتن مبارزات انتخاباتی، خبر کشته شدن هژدهمین سرباز استرالیایی در یک رویارویی با طالبان در ارزگان، بار دیگر افغانستان را در سرخط خبرهای رسانه‌های استرالیا قرار داد.

حتا با وجود پوشش گستردهٔ این خبر در رسانه‌ها، بحث درگیر بودن استرالیا در جنگ افغانستان، چندان در مبارزات انتخاباتی این کشور مطرح نشد.

سیاست خارجی هر دو حزب رقیب کارگر و لیبرال در برابر افغانستان، یکسان است.

حزب لیبرال که قبل از حزب کارگر بر سر قدرت بود، پس از فروپاشی طالبان در چارچوب نیروهای ایتلاف، به افغانستان نیروی فرستاد.

بعد تر وقتی حزب کارگر برندهٔ انتخابات سال ۲۰۰۸ میلادی شد، ماموریت نیروهای نظامی استرالیا در افغانستان را تمدید کرد و به شمار این نیروها افزود.

جولیا گلارد رهبر حزب کارگر و صدراعظم کنونی استرالیا در حالی که با خانوادهٔ هژدهمین سرباز کشته شده در افغانستان ابراز همدردی می کرد، بار دیگر بر ادامهٔ ماموریت نیروهای این کشور در افغانستان تأکید کرد.

گلاد گفت، مردم استرالیا در جنگ افغانستان قربانی می‌دهند، تا این کشور بار دیگر به لانهٔ امنی برای تروریزم بدل نشود.

گلاد می‌گوید، در صورت برنده شدن در انتخابات، سیاست دولتش در قبال افغانستان تغییر نخواهد کرد.

تونی آبوت رهبر حزب لیبرال حزب مخالف دولت نیز، در گردهمایی در شهر پرت به رای دهنده گان اطمینان داد که افغانستان بار دیگر به پناهگاه تندروان بدل نخواهد شد.

آبوت تعهد کرد، در صورت برنده شدن در انتخابات، به پشتبانی خود از حضور نظامی استرالیا در افغانستان همچنان ادامه خواهد داد.

تنها حزبی که موضوع خروج نیروهای استرالیایی را از افغانستان بارها مطرح کرده، حزب سبز است.

باب براون رهبر این حزب می‌گوید، افکار عمومی در مخالفت با ادامهٔ حضور نیروهای استرالیایی در افغانستان، در حال افزایش است.

براون پیشنهاد می‌کند که در بارهٔ ادامهٔ این ماموریت، باید در پارلمان استرالیا، دوباره بحث صورت گیرد.

اما حزب سبز نفوذ چندانی در پارلمان استرالیا ندارد و به تنهایی قادر نخواهد بود، در سیاست خارجی دولت آینده در استرالیا، اثر گذار باشد.

به هر حال، به نظر نمی‌رسد، موضوع حضور نظامی استرالیا در افغانستان، تأثیری بر نتایج انتخابات در این کشور داشته باشد.

اما با آنهم در صورت افزایش تلفات نیروهای استرالیایی، فشارها برای خروج آن‌ها از افغانستان، افزایش خواهد یافت.

به همان اندازه یی که احزاب رقیب در مورد حضور نیروهای استرالیایی و ادامهٔ ماموریت آن در افغانستان با هم موافق اند، به همان اندازه در مورد پناهجویان افغانی که در کمپ های این کشور و یا هم پناهجویانی که در جزیرهٔ کریسمس، به سر می برند، با هم اختلاف نظر دارند.

سیاست هردو حزب در قبال هزاران پناهجو، از جدی ترین مورد اختلاف و اساسی ترین بحث های انتخابات استرالیا بوده است.

آیا ښاغلی کرزی به عدالت وچلولای شي؟

افغان ولسمشر حامد کرزي ومنله چې له عدلي تعقیب نه یې د خپل یوه نژدې همکار د ژغورلو لپاره مداخله کړې وه.

هغه د اې بي سي امریکایي ټلویزیون "دې اونۍ" پروگرام ته وویل ضیا صالحي یې ځکه له بند څخه وژغوره چې د افغانستان د قوانینو خلاف د شپې په تیاره کې نیول شوی و.

د امنیت شورا دغه غړی د بدو په تور د لوی څارنوال په حکم تېره اونۍ ونیول شو، خو د ولسمشر تر کلک غبرگون وروسته خوشې شو.

ښاغلي کرزي وویل د بهرنیو په ملاتړ د مخ پټو ټوپکوالو دغسې د نیمې شپې چاپې خلکو ته د روسانو د مهال نیونې وریادوي او ډاروي یې.

خو ژمنه یې وکړه چې عدلي مقامات به پرېږدي چې پر ښاغلي صالحي د فساد تورونه وپلټي: "د دغې دوسیې څېړنه لا د مخه پیل شوې او پوښتنې روانې دي. د فساد پلټنه باید په اغیزمن ډول، د ژمنتیا پر بنسټ او په پوره زور ترسره شي، خو دا باید هر اړخیزه او ناسیاسي وي او بهرنیان په کې ټاکلې ګټې ونه لري."

د فساد ضد هغو دوو ادارو ته په اشارې سره چې د لوېدیځ ملاتړ ورسره دی، افغان ولسمشر وویل بهرنیان به پرېږدي چې د افغانستان له قوانینو بهر په خپله خوښه عدالت وچلوي.

هغه وویل چې د فساد ضد دغو دوو ادارو ته به د کار اجازه ورکړي، خو هغوی به تر خپلو قوانینو لاندې راولي، هغه څه چې بهرنیان یې له فساد سره په مبارزه کې یو خنډ بولي.

حامد کرزي دغه راز تایید کړه چې تر اعلان شوې نېټې وروسته به په خپل هېواد کې خصوصي امنیتي شرکتونه فعالیت ته پرېږدي: "یو دلیل چې زه یې له مخې په څلور میاشتو کې ددغو شرکتونو ړنګېدل غواړم، دقیقاً دادی چې د هغوی شتوالی د افغانستان خپل امنیتي ځواکونه ودې ته نه پرېږدي او مخه یې نیسي.

په تېره بیا د پولیسو، ځکه چې ۴۰ – ۵۰ زرو تنو ته د افغان پولیسو په پرتله ډېر معاش ورکول کېږي، نو ولې به هغه افغان زلمی چې په یوه خصوصي امنیتي شرکت کې کار موندلی شي، پولیسو ته ورشي."

ولسمشر کرزي پر دغو شرکتونو تور ولګاوه چې مافیا ډوله کړنې لري او ښايي غړو ته یې ورکړ شوې پیسې د بغاوت د لا پراخیتا لپاره وکارول شي.

د بي بي سي د راپور له مخې، په افغانستان کې د روانې

۳مخ

متن بیانیه دوکتور خدایداد بشرمل ...

احزاب ملی و دموکراتیک، وطندوست یک اتحاد نیرومند و دموکراتیک بوجود آوریم. پلتفورم واحدی تدوین نموده دور آن جمع شده فعالیت سیاسی قانونی نموده طرز تفکر مردم و را تغیر دهیم و بر فعالیت دولت اثر بگذاریم.

حزب واحد سراسری چطور ساخته میشود؟

چنانچه قبلاً ذکر نمودیم باید خود را تغیر دهیم. از نام رهبران دیروز و نامهای قبلی سازمانی خود را جدا سازیم. با اینکه رهبران گذشته خود را احترام داریم و به نامهای گذشته افتخار میکنیم اما کورکورانه به آنها نمی چسپیم و مانند گلوله آنها را در برابر دیگران بکار نمی بریم و حساسیت دگران را دربرابر خود تحریک نمی کنیم. رهبر با اینکه ممکن از دیگران کمی صاحب تجربه سیاسی بیشتر داشته باشد اما از دیگران تفاوت چندانی ندارد مردم رهبر می سازند و دورآن جمع میشوند. بازهم به عرض میرسانم که رهبر از مادر تولد نمی شود. هر رهبر هم کار های خوبی انجام داده و هم مرتکب اشتباهاتی میشوند و در مدت کارش خوشبینی ها و بدبینی های را در برابر خود ایجاد مینمایند و اگر ما به آنها بچسپیم و از شخصیت شان پیراهن حضرت عثمان(رض) بسازیم. و قریه به قریه آنرا بگردانیم چه سودی از آن خواهیم برد و چه سودی به آنها و جامعه خواهیم آورد. تنی چند را از خود نموده تعدادی زیادی را از خود بیگانه خواهیم ساخت. همچنان اگر به نامهای گذشته سازمانی چسپیده باشیم کاردرستی نیست.

بصورت مؤجز باید گفت که اگر به نامهای گذشته وابسته شویم و بخواهیم اراده خود را به دیگران تحمیل نماییم و در برابر دیگران گذشت نه نمایم. با کی اتحاد میکنیم. ما خود به تنهایی توان آنرا نداریم با کی وطن را می سازیم.

بیائید یکبار دیگر به این حقیقت اعتراف کنیم که حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایجاد شد برنامه ملی دموکراتیک را ساخت اما زمانیکه تاریخ قدرت را به آن تحمیل نمود نخست برنامه را به یاد فراموشی سپرد. جبه ملی و دموکراتیک را که اساس برنامه تشکیل میداد بوجود نیاورد و بعداً اراده اش را خواست بر جامعه بقبولاند. جامعه مقاومت نمود که نتیجه آن ناکامی بود. حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظیفه اش را انجام داده نتوانست و نامش به حزب وطن تبدیل گردید و سیاستش هم تغیر نمود. حزب وطن هم وظیفه اش را در نتیجه اشتباهات ذکرشده انجام داده نتوانست که نتیجه اش را اکنون می بینیم.

اکنون اگر به گذشته بچسپیم و خود را تغیر ندهیم چه سودی خواهیم برد. بیائید که گذشته را با تاریخ بسپاریم از تجارب مثبت و منفی اش استفاده نمایم راه بعدی خود را پیدا نموده و آینده را بسازیم ورنه در یک صحرای ناپیدا کنار در گروپهای کوچک در جستجوی آب بسوی سرآب خواهیم رفت و در نتیجه نابود خواهیم شد.

۱. بازهم باید خود را تغیر دهیم ، خود خواهی را کنار گذاشته تحریک بیگانگان را اهمیت ندهیم، بخاطر رهبر شدن نهضت و جامعه را تقسیم نکنیم. شخصیتی که برای گرفتن مسؤلیت حاضر شود، شخصیت ملی باشد و برای مردم قابل قبول دور آن جمع شویم. این رهبر باید دورانی نباشد، انتخابی باشد و از طرف رهبری نهضت با رآی سری انتخاب شود. نهضت رهبر بعدی خود را خود میسازد. درین مرحله بغرنج فقط به یک شخصیت داوطلب قابل قبول برای همه نیاز است.

۲. برنامه حزب واحد تدوین گردد. هر حزب برنامه دارد و اکثراً با هم شباهت دارند اما اکثر احزاب در برنامه شان به یک نکته اساسی توجه ننموده اند و یا اینکه با آن برخورد سطحی نموده اند و به آن کم بها داده اند حال اینکه آن موضوع به حل موضوع بغرنج کنونی کشور ارتباط نا گسستنی دارد، همین علت است که وضع کشور نه تنها بهبود نمی یابد بلکه روز تا روز به خرابی میرود زیرا نه دولت و نه روشنفکران وطندوست به آن توجه جدی مینمایند.

آن مسئله عبارت از حل مسئله ملی است. همه میگویند که ما افغانیم. پشتون، تاجک، ازبک، هزاره، ترکمن، بلوچ، نورستانی، عرب پشه یی وغیره با هم برادریم اما زمانیکه فشار یا سرپوش قدرت از سرشان پس شود باز همدیگر را میخورند. زمانیکه سرپوش قدرت برآنها گذاشته شود باز خاموش میشوند. بازهم همان موضوع است که باید خود را تغیر دهیم و هم خود را و هم جامعه را خصلت ملی دهیم.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حزب وطن احزاب سراسری بودند به احزاب ملی مبدل نشده بودند. میان شخصیتهای آن بخصوص میان رهبری آنها خصوصیت ضد ملی نیرومند تر از خصوصیت ملی بود، دسایس علیه همدیگردر اعضای رهبری همیشه جریان داشت. نتیجه همان بود که حزب از هم فرو پاشید.

میان ملت سازی و ملی شدن روشنفکران یک ارتباط منطقی وجود دارد که باید برای هردو همزمان کار شود. این هم وظیفه دولت است و هم وظیفه احزاب سیاسی. فکتور خارجی را عجالتاً در نظر نمیگیریم. وظیفه دولت است که با ملیتهای برادر برخورد عادلانه نماید. به رشد اقتصادی، فرهنگی، انکشاف دهات، صلاحیت های ارگانهای دولتی میلیتهای برادر توجه برابر صورت گیرد. در تمام ارگانهای دولتی و امنیتی نماینده گی عادلانه ملیتهای برادر اقوام و قبایل تأمین گردد. مؤجز اینکه به سطح زنده گانی مردم توجه عادلانه مبذول داشته شود. تا مردم عملاً کشور را از خود دانسته در تأمین امنیت، بازسازی و رشد متداوم آن سهم فعال و داوطلبانه بگیرند و به اشترک دولت ملیتهای برادرصلاحیت آنرا پیدا کنند که یک ملت نیرومند را بوجود آورند.

وظیفه روشنفکران این است که ساختار سیاسی نیرومندی بوجود آورده هم در داخل دولت با اشتراک مستقیم در نهاد های دولتی وهم خارج از آن از طریق فعالیت های سیاسی و اجتماعی بر دولت فشار آورد تا دولت سیاست ملی را اتخاذ نماید.

به هر صورت موضوع اساسی این است که باید باهم متحد شویم یک حزب واحد ملی دموکراتیک را ساخته و بعد با سایر احزاب و حلقات ملی و وطندوست اتحاد ملی بوجود آوریم تا در مسایل ملی صاحب نظر، در جامعه مطرح و بر فعالیت دولت اثر گذار شویم. یگانه راه تأمین این وحدت در برابرهمدیگر از مواضع خود به گذشت اصولی ارتباط میگیرد ورنه تمام تلاشهای ما بی نتیجه خواهد بود.

وحدت ملی سهل نیست، ساختن یک ملت پروسه بغرنج بوده که طالب زمان زیاد است و بر علاوه دو عامل فوق عامل خارجی هم در تسریع و کندی و حتی بر ناکامی پروسه اثر گذار است اما وظیفه ما این است که اقلاً وظیفه تاریخی خود را انجام دهیم و با انتخاب راه سالم مبارزه زمینه مداخله خارجی را نخست ترمز نموده و سپس عقیم سازیم.

در اخیر نقل و قول از نویسنده معروفی را به حضور شما بعرض میرسانم:

" بیست سال بعداز کارهای که انجام نداده اید به مقایسه کارهای که انجام داده اید پشیمان خواهید شد بیائید تناب های کشتی را رها کنید و از ساحل نجات بدر شوید و در بحر به راه افتید. ذریعه باد بانهای کشتی مسیر باد را تسخیر نموده و در بحر بیکران بسوی هدف روان شوید، نا مشکوف را کشف کنید و به آرمان خود برسید"

این آرمان آرمان وحدت ملی است.

پیشنهادات و فشرده در مورد پلتفورم اتحاد دموکراتیک و ملی

۱. احترام و رعایت ارزش های دین مبتنی اسلام، آزادی تمامی ادیان و سایر مؤسسات دینی و مذهبی پذیرفته شده.
۲. کمک به پروسه تأمین صلح پایدار در کشور
۳. دفاع از رشد پیهم و متوازن محلات و مبارزه بخاطر آن
۴. دفاع از خود گردانی محلی تحت کنترول معقول دولت و مبارزه برای تحقق آن
۵ مبارزه برای تأمین نمایندگیٔ عادلانه ملیت های برادر در تمام ارگانهای دولتی
۶. مبارزه بخاطر تقویه نیرو های امنیتی و دفاعی ملی و ادغام تمام ملیشه های شخصی و جمع آوری سلاح ثقیل از افراد و گروپهای مسلح و ایجاد گروپهای دفاع خودی بدون توزیع سلاح
۷. دفاع از مبارزه برای رفع خشونت های فامیلی و محلی، طرفداری از منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر و محاکمه به موقع جنایتکاران جنگی
۸ دفاع از مبارزه پلان شده علیه فساداداری و مبارزه برای تدوین پلان حل بموقع منازعات دارایی های شخصی افراد و مصؤنیت ملکیت های شخصی و ثبت دارایی شخصی از طریق مالیه دهی.
۹. دفاع از حقوق مدنی زنان، معلولین، معیوبین جنگی و فامیل های شهدا
۱۰. مبارزه بخاطر تأمین زمینه کار برای جوانان مطابق به ضرورت انکشافی جامعه
۱۱. کمک با مبارزه علیه تولید، تورید و استعمال مواد مخدره و دفاع از مبارزه علمی علیه تروریزم
۱۲. مبارزه پیگیر بخاطر تأمین مصؤنیت قانونی برای سرمایه گذاری خصوصی و خارجی
۱۳. مبارزه بخاطر حفظ محیط زیست و جلب توجه دولت بخاطر جلب کمک مردم در مورد
۱۴. بخاطر تأمین مطمین راه های تجارتی تقاضای پلان منظم اشتراک مُردم از دولت و مبارزه برای تحقق آن پلان
۱۶. طرفداری از سیاست خارجی متوازن، بیطرفی مثبت و فعال و مبارزه برای حل موضوعات مورد اختلاف با همسایه ها با در نظرداشت منافع ملی دو طرف به کمک جامعه بین المللی
۱۷. مبارزه بخاطر پلان علمی و عملی به منظور تأمین امنیت سرحدات به اشتراک مردم و تحقق آن به کمک مردم

رهبر باید دورانی نباشد انتخابی باشد. رهبر دورانی قابل اعتماد نه برای اتحاد نه جامعه میباشد. رهبری از تعداد مساویانه احزاب و سازمانهای سیاسی و عده از شخصیت های مستقل نامدار بوجود آید.

پایان

فساد مشکل اصلی افغانستان ...

افغانستان حضور دارد و در نیمهٔ اول سال، تعداد نیروهای آلمانی از حدود ۱۷۰ تن به ۲۵۰ تن افزایش یافت.

دو مزیبق در این گفتگو حضور نیروهای آموزش دهندهٔ آلمانی را حتا بعد از واگذاری مسوولیت این کشور به خود افغان‌ها، برای آموزش افسران پولیس متصور شد.

طبق اظهارات وی تا سال ۲۰۱۴ پولیس افغانستان باید ۱۳۴ هزار نیروی پولیس در اختیار داشته باشد.

وی مشکل افغانستان را ارتشاء دانست.

هم‌چنین هانس ورنر فریتس، یکی از قوماندانان ارشد آلمانی ایساف در شمال افغانستان گفت که میزان حضور نظامی در هندوکش به اوج خود رسیده است.

طبق اظهارات این مقام نظامی ایساف، وضعیت امنیتی افغانستان طی چندین ماه اخیر با تنش بیشتری همراه بوده است.

وی تاکید کرد که به طور همزمان ایجاد ثبات از طریق انکشاف بخش غیرنظامی، پیشروی داشته است.

طبق اظهارات این جنرال آلمانی، حضور نیروهای آلمان در افغانستان با گذشت زمان با خطرات بیشتری همراه است و وضعیت امنیتی شمال افغانستان در ماه‌های گذشته نه تنها بهتر نشده، بلکه وخیم‌تر شده است.

در حال حاضر، ایساف خود را آمادهٔ برگزاری انتخابات پارلمانی در ۱۸ سپتمبر(۲۷ سنبله) می‌کند. قطعات آموزش و حفظ امنیت در کندز، مشغول کار هستند و قرار است، اوایل اکتوبر نیز در مزار شریف چنین قطعه یی مشغول به کار شود.

انتخابات پارلمانی، مشکلات امنیتی ...

راکت بر تاسیسات دولتی این ولایت، نشان دادند که آنها همچنان در این ولایت حضور پررنگ داشته و هرگاه، در هر جایی که خواسته باشند، می توانند امنیت را به مخاطره بیانداز شهر غزنی از این قبل نیز، طی ماه های گذشته، چندین مرتبه مورد حملات راکتی قرار گرفته بود: مورد اخیری از همچون حملات، حمله یی است که نزدیک دو هفته پیش بر ساختمان های دولتی این ولایت صورت گرفت که در نتیجهٔ آن، آمر امنیت قوماندانی امینهٔ غزنی با یکتن محافظش به شدت جراحت برداشتند. در همین حال، فضل احمد معنوی، رییس کمیسیون مستقل انتخابات، دیروز به ولایت غزنی سفری داشت؛ وی در دیدار با مسوولان و نامزدان انتخابات پارلمانی این ولایت، در مورد برگزاری انتخابات در این ولایت اظهار نگرانی کرد.

معنوی نخست حدود یک ساعت با مسوولان و نامزدان انتخاباتی، در پشت درهای بسته دیدار کرد و سپس با موسی خان اکبرزاده، والی غزنی در یک نشست خبری مشترک حضور یافت.

وی مسدود شدن ۱۰۷ مرکز رأی دهی در غزنی را به دلیل مشکلات ناامنی نگران کننده خواند و افزود که ارگان های امنیتی در این مورد، پلان امنیتی مناسبی ترتیب کرده اند.

معنوی گفت که با مسدود شدن مراکز، تعداد زیادی مردم از حق رأی دهی محروم خواهند شد؛ اما افزود که این کار به دلیل نگرانی های امنیتی صورت گرفته است.

رییس کمیسیون مستقل انتخابات با اشاره به انتخابات سال گذشتهٔ ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی گفت که در آن زمان، اوراق و صندوق های رای دهی، به مراکز مناطق ناامن رسانده شد؛ اما مراکز بسته باقی مانده و هیچ کسی رای نداد.

معنوی از مسؤلان دوایر دولتی و امنیتی خواست که در روز انتخابات علاوه بر تامین انتخابات، امنیت مردم را نیز تامین کنند، تا آنان با اطمینان خاطر به مراکز راهی دهی بروند. وی گفت که از فشار زورمندان در انتخابات، جلوگیری خواهد کرد و اگر ماموران دفترهای انتخابات، به نفع کدام کاندید کار نماید، با برخورد جدی مواجه خواهد شد.

والی غزنی نیز از تامین امنیت شدید در زمان انتخابات وعده سپرد و اظهار امیدواری کرد که نماینده گان واقعی ملت، به پارلمان راه یابند. وی افزود که در کنار پولیس و اردوی ملی به منظور تامین امنیت انتخابات، یک کندک نیروهای امریکایی در سه ولسوالی ناآرام در این ولایت مستقر خواهند شد.

باجود اینکه مسوولان از تامین امنیت در روز انتخابات خبر می دهند؛ اما نامزدان و رای دهنده گان، نسبت به امنیت و شفافیت انتخابات به دیدهٔ نگریسته و آن را نازک و حساس خوانده اند. با این حال، به باور کارشناسان، این تنها امنیت ولایت غزنی نیست، که چنین نازک و نا بسامانی به نظر می رسد، بلکه وضعیت امنیتی سایر ولایت های جنوب و جنوب غربی کشور مانند قندهار، هلمند، زابل و ارزگان به مراتب بدتر و وخیم تر از این ولایت است؛ اما اینکه کمیسیون انتخابات و نیروهای امنیتی کشور خواهند توانست، در سرتاسر این مناطق، امنیت نسبی را حاکم سازد، تا مردم بتوانند با خاطر آرام به پای صندوق های رای دهی بروند، این پرسشی است که ما می توانیم در حاشیهٔ بررسی آماده گی ها، برنامه ها و جابه جایی های چند روز آینده نیروهای امنیتی، حد اقل پاسخ قناعت بخشی به آن ارایه کرد.

شاهد تلفات سنگینی در افغانستان ...

مسوولیت امنیتی برخی مناطق افغانستان به نیروهای محلی در جولای آینده به بارک اوباما، رییس‌جمهور امریکا ارایه می‌کنم.

پترائوس خاطرنشان کرد: این حق انحصاری رییس‌جمهور است، تا این توصیه‌ها را بپذیرد، یا آن‌ها را رد کند.

پترائوس که در جنگ عراق عملکرد خوبی از خود به عنوان قوماندان نیروهای امریکایی در این کشور نشان داده بود، تصمیم دارد، استراتیژی‌های خود در جنگ عراق را در افغانستان پیاده کند.

پترائوس اظهار داشت، اگر فکر کند که ضرب‌الاجل اوباما مبنی بر آغاز روند خروج امریکاییان از ماه جولای، خطراتی را ایجاد می‌کند، این مسأله را با او در میان می‌گذارد.

قوماندان نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان افزود: وقتی شما شغلی این چنینی را در دست می‌گیرید، همیشه به این فکر می‌کنید که این شغل آخرین شغل شماست.

پترائوس اضافه کرد: من در زمان روی کار بودن دونالد رامسفلد به عنوان وزیر دفاع امریکا، به او گفتم، جنگ در افغانستان مدت زمان زیادی به طول خواهد انجامید.

پترائوس تاکید کرد که روند مبارزات در میدان جنگ بر علیه طالبان تغییر کرده است.

البته وی هشدار داد: برای اطمینان یافتن از حفظ پیشرفت‌های نظامی در مقابل طالبان، شاهد تلفات سنگینی در آینده خواهیم بود. آمار تلفات سربازان ناتو در سال جاری میلادی، به ۴۵۰ تن رسیده است؛ این در حالی است که در سال ۲۰۰۹، در مجموع ۵۲۰ تن از سربازان ناتو در افغانستان جان باختند.

با این وجود، پترائوس عنوان داشت: به عقیدهٔ وی، استراتیژی افزایش سرباز در افغانستان جواب داده است.

وی افزود: کنترول میدان جنگ توسط طالبان که درسال های اخیر به وجود آمده بود، هم‌اکنون در بسیاری از مناطق تغییرکرده و در بسیاری از مناطق دیگر نیز، تغییر خواهد کرد که البته این موضوع مستلزم درگیری‌های سنگین در آینده است.

پترائوس همچنین تاکید کرد: نباید پس از ضرب الاجل اوباما برای آغاز روند خروج سربازان، آنها به طور ناگهانی از افغانستان خارج شوند. جولای ۲۰۱۱ زمانی است که روند خروج نیروها آغاز می‌شود، اما زمان خروج ناگهانی آنها محسوب نمی‌شود.

پس از اینکه جنرال استنلی مک کریستال در ماه جون از سمت فرماندهی نیروهای ناتو و نیروهای امریکایی در افغانستان کنار رفت، جنرال پترائوس جانشین وی شد.

آیا ښاغلی کرزی به عدالت وچلولای ...

جګړې د بري یا ماتې په اړه، ښاغلي کرزي وویل: چې جګړه ګټل کېدلی شي او باید وګټل شي، خو شرط یې دادی چې د افغانانو زړونه خپل شي، د هغوی په خوندیتوب کې زیار وایستل شي او د ولسي مرګ ژوبلې مخه ونیول شي. دا چې افغان ولسمشر داسې خبرې کوي، نو له دې وروسته به په عمل کې څرګنده شي، چې نوموړی څومره خپلې ژمنې عملي کوي او دا به هم څرګنده شي، چې ایا دی به په افغانستان کې لکه څنګه چې ښايي، هماغسې عدالت وچلولای شي او که نه، دا هغه څه دي چې ملت به وروسته پرې قضاوت کوي.

متن بیانیه دوکتور خدایداد بشرمل ...

خود افتخار میکنیم باید آنرا بسازیم و مردمانش را به ملت واحد مبدل نمآییم این وظیفه آسان نیست، گران است پروسه طولانی بکار دارد اما اگر اراده قوی داشته باشیم و به تحریک بیگانگان گوش ندهیم و با حلویات شان تسلیم نشویم این آنقدر وظیفه دشوار نیست.

دوستان عزیز!

قبل ازینکه این موضوع را مورد بحث قرار دهیم نخست راجع به وضع دشوار کنونی کشور صحبت مینمائیم و باید دریابیم که چرا وضع در کشور نه تنها بهبود نمی یابد بلکه به سوی خرابی میرود. علتش در کجاست؟ و چرا با هم تقسیم شده ایم؟

افغانستان کشوریست که به خشکه محدود شده از آسیای شرقی و جنوبی، خلیج، شرق میانه و آسیای مرکزی دربین بیش از سه بیلیون مصرف کنندگان احاطه شده و یک حلقه یا پل اتصالی تجارتی مهم را بین شرق و غرب تشکیل میدهد. و ملیت های برادر با مردمان آنطرف سرحدات کشور روابط زبانی، فرهنگی، مذهبی، نژادی و تاریخی دارند. حالات هر دو طرف بر یکدیگر تأثیر دارد و با تغیرات مثبت و منفی دریکی اثر مثبت و منفی بر طرف دیگر گذاشته باعث خوبی و خرابی اوضاع میگردد. رابطه دولت ما با دولت های همجوار آنقدر با اهمیت است که با مردم ما باید داشته باشد. یعنی سیاست داخلی و خارجی ما با همدیگر رابطه نا گسستنی دارد. اگر واقعاً دموکراتیک باشد و با مردم خود رابطه قابل قبول داشته باشد میتواند سیاست سالم خارجی هم داشته باشد و میتواند با کشورهای جهان به خصوص با کشور های همسایه در همزیستی مسالمت آمیز زندگی کند اما اگر در کشور دکتاتوری و حاکمیت حلقه خاص و یا حلقه فاسد بر قرار باشد هیچگاه سیاست سالم را تعقیب نموده نمیتواند و موازنه برهم میخورد. البته این مسئله دو جانبه بوده و به همه کشور های همسایه و جهان صدق میکند. اگر خوب دقیق شویم اثبات این ادعا را در تاریخ گذشته نزدیک و همین اکنون در کشور خود به وضاحت دیده میتوانیم.

اگر از تفصیل این موضوع بگذریم و به اصل مطلب برگردیم و از خود بپرسیم که چرا وضع درکشور بهبود نمی یابد؟ افغانستان برآی جهان چی اهمیت دارد؟ نقش افغانستان را در جهان تحت مطالعه قرار دهیم تا راه خود را دریابیم.

چنانچه قبلاً به آن اشاره نمودم افغانستان بین شرق وغرب حیثیت یک پل مهم ترانزیتی را ایفا مینماید. تجارت قانونی ازین راه با منافع ملی افغانستان مطابقت دارد و همچنان با منافع ملی کشور های منطقه و جهان و مردمان و دولتهای همه کشور ها از آن مستفید میگردند پس اوضاع باید بهتر شود و همه بکوشند در افغانستان ثبات دایمی برقرار شود. اما کسانی یا گروپهای هستند که از تجارت قانونی زیان می برند همین ها اند که باعث خرابی اوضاع میشوند. اینها کی ها اند؟

مافیایی بین المللی و سود جویان انفرادی خارجی، مافیایی داخلی و سود جویان انفرادی داخلی که در جنگ کیسه های شانرا پر میکنند و ثروت شخصی مردم را غیر قانونی تصاحب مینمایند و با حلقات نا پاک دولتی ارتباط نا مشروع قایم نموده باعث خرابی اوضاع مگردند. به این علت اقتصاد قانونی به اقتصاد جنگی تبدیل میشود. یعنی قاچاق، تولید و توزید و استعمال مواد مخدره به فروش سلاح، اختطاف و باجگیری و تصاحب غیرقانونی ثروت دگران جای اقتصاد و قانونی را میگیرد.

کشور های با قدرت تحت فشار مریی و نا مریی حلقات مافیایی با پیش بردن سیاست نا سالم خارجی به عوض اینکه به سطح زندگانی مردم، تعلیم وتربیه سالم نسل جوان حل اختلافات ذات البینی افغانستان با کشور های همسایه توجه نمایند و مداخله را توقف دهند به شدت جنگ می افزاید و با کشتن یک گنهکار و ده ها بیگناه وضع را خرابتر ساخته اگر میخواهند یا نه میخواهند آتش را پکه میزنند. مردمان بیچاره ما میان هردو قوت از این سو به آنسو میروند، قربانی میدهند و به مرگ تدریجی معروض میگردند.

ما روشنفکران هم به عوض درک و تحلیل علت اساسی و جستجوی راه حل مصروف مسایل فرعی بوده یا بصورت انفرادی یا در حلقات و سازمانهای کوچک غیر مؤثر نه تنها سبب تقسیم قشر روشنفکران کشور شده ایم بلکه جامعه را هم اثر گذاشته و مردم را تقسیم نموده ایم. اگر چنین حالت ادامه یابد ما در یک بحر ناپیدا کنار بدون قطب نما کشتی رانی نموده و هیچگاهی هم به ساحل نخواهیم رسید و در راه آرمانهای خود در آب غرق خواهیم شد. یا هم با معدن نمک یکجا شده به نمک تبدیل خواهیم شد و گاهی هم در حوادث کناره جویی نموده مصروف کسب نفقه خواهیم بود. اگر چنین سرنوشت را انتظار داریم کاری که میکنیم درست است ورنه باید خود را تغیر دهیم.

قبلاً به سه نکته اشاره نمودم که عبارت بودند از مسئله ملی، منافع ملی و شخصیت های ملی، در اینجا بر نکته اساسی آن که عبارت از شخصیت های ملی است و نقش اساس را بازی میکند بحث میکنم. شخصیت های ملی اند که ملت و دولت ملی را میسازند و منافع ملی را تآمین مینمایند.

اگر از ما پرسیده شود که افغانستان شخصیت های ملی دارد یا خیر ؟ جواب چی باید باشد؟ اگر جواب ما این باشد که افغانستان شخصیت های ملی ندارد. پس جای تآسف نیست؟ که در ۳۰ میلیون نفوس کشور شخصیتهای ملی وجود نداشته باشد. چنین مردمی معروض به فنا نخواهد بود؟ اگر درین تالار شخصیتهای ملی وجود نداشته باشد باید خود را تغیر دهیم. درین صورت مسئولیت حوادث بعدی به دوش ما خواهد بود نه به دوش قدرت های خارجی، زیرا زمینه مداخله را برای دیگران فراهم نموده خواهیم بود.

شخصیت ملی به کی ها گفته میشود؟ آیا به یک شخصیت مشهور چون رئیس جمهور، صدر اعظم، وزیر، والی، شاروال، سفیر، پروفیسور، مولوی و یا آیت الله شخصیت ملی گفته شده میتواند؟ اگر این شخصیت با اینکه به طایفه، قبیله، قوم، زبان، محل تولد، فرقه مذهبی و تعلقات گروپی اش افتخار میکند اما در برابر منافع ملی تعصب فامیلی، طایفوی، قبیلوی، قومی، لسانی، محلی، مذهبی گروپی و نژادی نداشته باشد و از سخنانش بوی خون نیاید به وی خطاب شخصیت ملی شده میتواند. او باید در حیات گذشته اش ثابت ساخته باشد که در برابر منافع ملی به چنین مسایل اهمیت نداده و در آینده چنین موقفی راحفظ نماید. اگر این شخصیت به وظیفه یی توظیف گردد و مقامی را احراز نماید با لست پیش ساخته ئی به اداره نرفته و همه کارکنان آنرا به دیده برابر ببیند و برخورد عادلانه نماید ورنه هویت ملی اش صدمه دیده بد نام و ناکام میشود. برای اینکه موضوع اساسی کشور یعنی تأمین صلح حل گردد و باز سازی و پیشرفت برای همیش دوام کند ملیت های برادر باید توان ساختن یک ملت نیرومند و ایجاد یک ملیت پر قدرت را باید کسب نماید. بدین مناسبت باید روشنفکران و جوانان وطن خصوصیت ملی کسب نمایند و خود را از جویچه های کوچک بیرون نموده به دریای بزرگ داخل شوند؛ شاعر میگوید:

که ژوندون غواړی په لوی دریاب کښی ګرځه په ویالی کښی دی زوال وینم نهنګه

روشنفکران ملی باید مردم را به سوی وحدت ملی تشویق نمایند. در راه حل تضاد های ملی سهم وطنی بگیرند و از همه مهمتر در راه ایجاد یک دولت ملی و با کفایت با هم عمل مشترک نمایند.

ضرورنیست که روشنفکران مترقی و ملی با همه یکی شوند و قدرت دولتی را تصاحب کنند و دولت ملی بسازند. آنها میتوانند که یک حزب نیرومند واحد ملی و دموکراتیک بسازند و یا یک اتحاد نیرومند ملی و دموکراتیک به حیث یک اپوزیسون نیرومند از پائین دولت و جامعه را مسیر سالم دهند، اما نخست باید به حیث یک نیروی سالم سیاسی درجامعه مطرح شوند یعنی یک حزب ملی دموکراتیک سیاسی نیرومند و یا یک اتحاد ملی سیاسی نیرومند را بسازند.

قبل ازینکه نظریات خود را در مورد ایجاد یک سازمان نیرومند خدمت شما بزرگواران به عرض برسانم میخواهم به تجربه های گذشته مکثی داشته باشم و بر خورد انتقادی مختصری نمایم تا راه بعدی را برای خود روشن سازیم.

از زمان امیر عبدالرحمن خان تا اکنون فرزندان نامدار وطن در اوقات و اوضاع مختلف گردهم جمع شدند و سازمانهای مترقی را بنیاد نهادند تحرکی در جامعه بوجود آوردند اما همه شان ناکام شدند. علتش چه بود؟ به عقیده من سه علت سبب ناکامی شان گردید.

نخست اینکه از جامعه یا شناخت دقیق نداشتند و یا به آن توجه ننمودند و کوشیدند اندیشه های پیشرفته را بر جامعه سنتی خود بقبولانند؛ دوم اینکه در نهضت تفاهم وجود نداشت، یکه تازی، بی اعتمادی رایج بوده و در برابر یکدیگر تخم کینه کاشتند؛ سوم با مسئله ملی برخورد غیر علمی وسطحی نمودند یعنی بصورت موجز باید بگوئیم که تجربه سیاسی نداشتند. این عوامل نخست حرکت مترقی را بچار مشکلات داخلی نمود، بی اعتمادی میان خود شان و جامعه بوجود آمد. و بعداً نیروهای ارتجاعی را مجال داد که بر ضد نهضت از حربه یی کار گیرند که نهضت نتوانست از آن کار بگیرد و به نیرو های ارتجاعی که به مقایسه نهضت توانمند بودند زمینه را مساعد ساخت تا اول جامعه را بر نهضت بی اعتماد سازد و بعداً نهضت را بکوبد. اکنون هم نهضت به مشکل مشابه مواجه است و از تجربه گذشته کار نمیگیرد. روئسای گروپهای سیاسی به جز خود به دیگری اعتماد ندارند وفکر میکنند که اگر کسی دیگری جلو گرفت قسمت آخر غنیمت به او خواهد رسید، بدین علت گاهی مجبود میشوند که آگاهانه یا نا آگاهانه بخاطر بقای خود نفاق را دامن زنند. قشر روشنفکران و جامعه را تقسیم نمایند.

دوستان عزیز!

بیایید که به اشتباهاتی ح.د.خ.ا که در پلینوم دوم بنام حزب وطن مسمی گردید و من هم عضو آن بودم و به عضویت در آن افتخار میکنم مکثی کوتاهی داشته باشیم تا بخاطر ایجاد سازمان نیرومند ملی راه خود را روشن سازیم. تا وقتیکه اشتباهات گذشته را برسی نکنیم و برای ایجاد یک سازمان نیرومند سیاسی ملی راه خود را روشن نسازیم چطور خواهیم توانست راه درستی را بر گزینیم و از اشتباهات گذشته جلوگیری نمائیم عمل و اشتباه با هم همراه اند هر که عمل میکند اشتباه هم میکند اما اشتباه از اشتباه تفاوت دارد. یک اشتباه خود را صدمه میزند و اشتباه دیگری جامعه و وطن را. چنین اشتباه قابل بخشیدن نیست بخصوص اشتباهی که با اتخاذ تصمیم فردی صورت گرفته باشد و به خرد جمعی اهمیت داده نشده باشد همچنان تکرار آن قابل بخشیدن نیست.

زمانی سازمان به بحران مواجه میگردد که باند کوچکی بر سازمان مسلط شود و تصمیم جمعی به تصمیم فردی و یا به تصمیم حلقه اشراف مبدل گردد.

دوستان عزیز ! در عصر ما و شما بر بنیاد صف بندی های اجتماعی کشور، دانش و تجربه سیاسی وقت با آمدن دموکراسی در افغانستان گروپ های متعددی از جوانان وطندوست گرد هم آمدند و بمنظور خدمت بوطن بنیاد سازمان های سیاسی مختلف را در کشور گذاشتند از جمله آنها تعدادی از وطندوستان بنیاد ح.د.خ.ا را گذاشتند. در جریان مبارزه وطنی خویش کار های مثبتی را انجام دادند و اشتباهاتی را هم مرتکب شدند. کارهای مثبت شان برای ما سرمشق مبارزه بعدی ما باید باشد و اشتباهات شان برای ما باید به مدرسه تنویری مبدل گردد.

از اشتباهات فردی شان صرف نظر میکنیم بخاطر اینکه هیچ انسانی در جهان بدون ضعف و اشتباه نگذشته و نبوده. مبارزات وطندوستانه شانرا ارج میگذاریم و قضاوت فردی را در مورد شخص شان به مؤرخین حق بین جامعه میگذاریم همه شان به قیمت جان خود و یا به قیمت نام خود قربانی دادند و ثمراشتباهات شانراچشیدند.

درینجا از اشتباهات رهبری ح.د.خ.ا و حزب وطن در مجموع بحث مینمایم که خودم عضو آنها بودم. هر عضو رهبری حزب به اندازه صلاحیت کاری خود در برابر آن مسئولیت دارد بشمول اینجانب.

۱. اشتباهات قبل از حاکمیت:

عدم مطالعه دقیق و عدم شناخت جامعه، عدم توجه به سطح رشد فرهنگ، دانش سیاسی و خواست های مردمی که برای شان داوطلب شدند و قبولاندن عجولانه و قبل از وقت اندیشه های پیشرو بر جامعه سنتی و عقب مانده سبب شد تا مردم از حزب دور شود. طرد نشدیم چون روابط لجتماعی داشتیم اما مردم ازما فاصله گرفت و زمینه تفتین ارتجاع مساعد گردید و فاصله بین حزب و مردم را پر کرد.

۲. تأمین وحدت میکانیکی میان دو حزب در اصل مجزا آنهم تحت تأثیر و فشار عوامل خارجی. وحدت اگر از پائین یا صفوف حزب و بنابر ضرورت جامعه آغاز میگردید نتیجه بهترمیداد ورنه اگر به حیث دو حزب مجزا در کنار هم رشد مینمودند بهتر بود و شاید هم قبل از وقت قدرت دولتی به آنها تحمیل نمیگردید و در مبارزه آبدیده میشدند.

۳. یکه تازی در مبارزات مترقی خواهانه، ندادن اهمیت به نظریات سایر احزاب، عدم توجه به ایجاد تفاهم بین الافغانی و هماهنگی در جنبش مترقی و تلاش برای قدرت جنبش مترقی را تضعیف نمود و شکنن ساخت.

۴. حزبی ساختن اردو و تحریک خود خواهی های افراد جاه طلب که زمینه کودتا های متعدی را علیه دولت و حزب آماده ساخت و رقابت در کودتا بازی را بوجود آورد. که البته این اشتباه همه احزاب سیاسی وقت بود بخصوص اشتباه ح.د.خ.ا.

اشتباه زمان حاکمیت ح.د.خ.ا !

۱. باز هم عدم شناخت جامعه و قبولاندن رفورم های قبل از وقت و غیر ضروری در جامعه، عدم توجه به اصل موضوع یعنی حل مسئله ملی یا به عباره دیگر سیاست نا سالم داخلی مردم را از دولت فاصله داد و تجرید نمود. باز هم این فاصله را ارتجاع سیاه پر کرد.

۲. فاصله گرفتن از دموکراسی در جامعه حتی در درون حزب به عوض اینکه حاکمیت حزب برقرار گردد حاکمیت یک حلقه محدود اشراف بوجود آمد و ابتکار حزب را صلب نمود وسرکوب کرد همه چیزبه دستور از بالا فیصله مگردید.

۳. یکه تازی حزب در تصاحب قدرت، ایجاد جبهه متحد ملی که اصل برنامه حزب بود با احراز قدرت عملاً فراموش شد و با احزاب وگروه های سیاسی دیگربرخورد خصمانه صورت گرفت و برای همه ابلاغ گردید که اگر از ما اطاعت نمیکنید با ما دشمنید و همه را هم دشمن ساختند.

۴. سیاست نادرست خارجی و اغراق در طرفداریی و مخالفت با شرق و غرب که در نتیجه هر دو را از دست دادیم. غرب را دشمن ساختیم شرق هم تحت فشار جهان و مقاومت مردم به نا جوانی متمایل گردید ما را نه تنها گذاشت بلکه علیه ما قرار گرفت.

اشتباهات حزب وطن و علل ناکامی مشی مصالحه ملی

۱. البته مداخله وسیع خارجی در مخالفت با ما عامل اساسی سقوط ما بود اما گناه از ما بود. ما با سیاست نادرست داخلی و خارجی پل های عقبی خود را تخریب نموده بودیم دیر شده بود تا تغیرسیاست مفید واقع شود ودر نتیجه افراط وتفریط دربرخورد با جهان شرق و غرب هر دو در سقوط ما با هم همنوا شدند.

۲. در مذاکرات مخالفین بعد از اعلام مشی مصالحه ملی راز داری افراطی طوری در پیش گرفته شد که رهبری در توضیح و تشریح تفصیل مذاکرات برای مردم و رهبریی حزبی و دولتی از خرد جمعی استفاده ننمود.

مذاکره با مخالفین دولت در جریان بود اما اعضای حزب و مردم از جریان مذاکرات از دست اول آگاه نبودند، تمام استخبارات جهان از مذاکرات آگاهی داشتند اما جز چند تن اشراف حزب و چند تن دیگری ازدلقک دربار سایر اعضای رهبری و صفوف حزب از آن خبر نبودند. نتیجه چی شد؟

نتیجه چنین شد که بلاک شرق به عمال خود درین سوی مذاکرات و بلاک غرب به عمال خود در آنسوی مذاکرات وظیفه دادند تا مذاکرات را به بیراهه بکشانند. عده یی از افرادیکه به مذاکره مؤظف بودند به اشاره یی باداران خارجی شان یا انفرادی یا گروپی زد و بندهای انفرادی با استفاده از امکانات حزب با مخالفین ایجاد نمودند و حقایق مذاکرات خود را از حزب ،جامعه و رئیس جمهور پنهان نمودند. رهبری حزب در مجموع بجز از حلقه خاص و رهبری دست دوم قوای مسلح و دولت از زبان دوم از کسانیکه در مذاکره اشتراک داشتند جسته و گریخته، راست و دروغ شنیدند و فکر نمودند که از کاروان عقب ماندند به زد و بندهای شخصی پرداختند که در نتیجه حاکمیت مردمی ضعیف شده رفت. اگر جزئیات مذاکره با حزب، دولت و جامعه درمیان گذاشته میشد افراد اجنت،پر عقده وضد ملی در مذاکره در تبانی با مخالفین دلخواه شان بنا بر عقده های شخصی علیه دولت کودتا نموده نمیتوانستند، حکومت ائتلافی بوجود می آمد و اوضاع دگرگون می بود.

۳. اشتباه دیگری رهبری حزب وطن این بود که در اعتماد بر اطرافیان تنگ نظر و ضد ملی افراطی به حدی افراط صورت گرفت که رهبری در محاصره استخبارات غرض آلود گیر ماند و از آن رهایی یافته نتوانست. افراد ملی و مثبت خارج حلقه ماندند و بی تآثیر که در نتیجه پلان دشمن عملی گردید و حزب به این حالت رسید.

دوستان عزیز!

اکنون هم اشتباه گذشته را تکرار مکنیم. کورکورانه تبعیدی از یک رهبر پیروی میکنیم و حتی سعی میکنیم دگران را مجبور سازیم از اندیشه ما پیروی کنند. این رهبران مال شخصی کس نبودند به همه تعلق داشتند. ضربه سنگین اشتباهات شانرا ما همه بردوش برداشتیم و می برداریم. به همه آنها لحترام میگذاریم از کار های مثبت شان پیروی نموده و از اشتباهات شان درس عبرت میگیریم اما آنها را پرستش نمکنیم.

با لغزیدن افراطی در کنار یک رهبر آرمان وطنی خود را ضربه میزنیم. برای اندیشه خود مخالفین کمایی مکنیم، دیگران را بیشتر تحریک نموده کار خود را مشکل میسازیم. اگر ما توان آنرا نداشته باشیم که از گذشته بدر شویم و خود را با جامعه و شرایط عیار سازیم، اگر ما تحمل اندیشه دیگران را نداشته باشیم و نظر خود را بخواهیم بر آنها بقبولانیم و خود را هیچ تغیر داده نتوانیم چطور میتوانیم در جامعه بحیث قدرت تغیر آور مطرح شویم بر خلاف مانند ماری بدون دوستی دور خود برای همیش خواهیم پیچید و دیگران را خواهیم گزید.

برادران عزیز!

راه دیگری وجود ندارد مگر که خود را تغیر دهیم، با هم متحد شویم، یک حزب ملی نیرومند بوجود آوریم و بعداً با سایر ص۳

کنوانسیون حقوق اطفال

پنځمه ماده :دولتونه باید د ماشوم د مور او پلار او دهغوی د قانوني سرپرست حقونو او مسئولیتونو ته درناوی وکړي.

ماده پنجم: دولت ها باید به حقوق و مسوولیتهای مادر و پدر و سرپرست قانونی طفل احترام بگذارند.

این پیام از طرف کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تقدیم گردید

برای نشر اعلانات تان به این شماره ها تماس حاصل نمایید: ۰۷۰۰۲۴۴۳۸۴ / ۰۷۸۷۷۰۷۶۲۸ - ۰۷۰۰۵۹۶۲۰۵ / ۰۷۹۷۸۵۹۰۴۰

اراده ورځپاڼه یوازې د سرلیکنې ننګه کوي، نورې لیکنې د لیکوال خپل نظر دی، ورځپاڼه یې مسولیت پر غاړه نه اخلي.

حق الاشتراک :
قیمت یک شماره: (۵) افغانی
سالانه: ۲۰۰۰ افغانی
شش ماهه: ۱۰۰۰ افغانی
برای موسسات و سفارتخانه ها:
سالانه ۳۰۰ دالر امریکایی
شش ماهه ۱۵۰ دالر امریکایی

مرکز نشرات افغان
روزنامهٔ ملی اراده
موسس و صاحب امتیاز: حاجی سید داؤد
مدیر مسوول : خادم احمد
موبایل :- ۰۷۰۰ ۵۹ ۶۲ ۰۵
Khadem.kabul@yahoo.com
معاون : استاد مرتضی فرحتیار
موبایل :- ۰۷۹۷۲۵۳۱۶۴
Farhatyarm@yahoo.com

ادیتور پشتو: مجیب الرحمن امیری
موبایل :- ۰۷۰۸۸۸۷۰۶۶
دیزاین : انجینیر محمدجمیل "امیری"
همکار تخنیکی: محمدجمیل "احمد"
مسوول توزیع و بازاریابی: عبدالسمیع
۰۷۰۰۲۴۴۳۸۴
ایمیل: erada.daily@yahoo.com
آدرس : دهمزنگ، عقب سینمای بریکوت، سرک اول کارته چهار.

ERADA DAILY
Afghan Media Resource center
Establisher and Concessionaire: Haji sayed Daud
Editor in chief: Khadem Ahmad
Editor: Farhat yar
Pashto Editor: Mojiburahman Amiri
Designer: Eng, Mohammad Jamil Amiry
Address: Behind Baree kout-cinema, first street of karti-e-char
Email: erada.daily@yahoo.com